یار محمد، پیشتاز شهادت

برادرم شهید یارمحمد صحرایی فرزند هفتم از خانواده ما بود که در سال ۱۳۴۷ در دهلران به دنیا آمد. حفظ حرمت و احترام به پدر و مادر و بزرگ‌تر از خود، تقید به مسائل شـرعی و رعایت حلال و حرام خدا بزرگ‌ترین سرمایه زندگی‌اش بود. کمک به معیشت خانواده از طریق همیاری پدر و مادر در کارهای کشاورزی و دامداری و سرآمد بودن در گفتار و کردار دیگر ویژگی‌های بارز یارمحمد را تشکیل می‌دادند.
او که دوران نوجوانی‌اش مصادف با ایام شـور و حماسه دفاع مقدس

جعفر، فرمانده‌ای که مدیون سپاه بود

شـهید جعفر صحرایـی پنجمین فرزنـد خانـواده بود که در سـال ۱۳۴۲ در شهر آبا و اجدادی‌مان دهلران به دنیا آمد. او در سن ۲۱ سالگی به خدمت سربازی رفت و دوران خدمت را در نیروی دریایی خرمشهر سپری کرد. سپس به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در عملیات‌های مهمی چون کربلای یک، نصر۴، نصر۵، والفجر یک و نیز در مبارزه با شرارت‌های منافقین در سال‌های اولیه دهه ۷۰ در مرز دهلران فعالیت داشت. جعفر دارای روحیه‌ای انقلابی و ولایی و خستگی‌ناپذیر

علی‌محمد، فرمانده گروهان عاشورا

برادر دیگرم، شـهید علی‌محمد صحرایی فرزند چهارم خانواده بزرگ و پرجمعیت صحرایی در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمد. علاقه زیادی به درس خواندن و کمک به پدر و مادر در امر کشاورزی و دامداری و معیشت خانواده داشت. مقید بودن به مسائل شرعی و مذهبی، حسن رفتار و رعایت ادب و اخلاق، کمک و خوش‌رفتاری با دیگران از او شخصیتی محبوب در نزد همه دوستان و آشنایان ساخته بود. شهید علی‌محمد صحرایی در سال‌های اولیه تهاجم رژیم بعث عراق به خاک کشورمان با علاقه و پشتکار و در قالب نیروی هوایی

برادر شهیدان یارمحمد، علی‌محمد و جعفر صحرایی در گفت‌وگو با «جوان»:

جعفر شهادت ۳ عضو از خانواده را پیش‌بینی کرده بود

مصطفی ولیزاده

خط سرخ شـهادت خطی اسـت به بلندای تاریخ، خطی که از عاشورای حسینی تا حماسه بی‌بدیل بیات، چیلات و شرهانی دهلران امتداد دارد. ترسیم‌گر این خط مقدس شـهدا بودند و خانواده‌های معززی که حامی این نهضت بـزرگ جهانی‌اند. شهرسـتان دهلران از توابع اسـتان ایلام با ۲۹۰ شـهید و صدها جانباز و آزاده، در طول هشـت سـال دوران دفاع مقدس معبر پرواز شهدای بسیاری به سوی ملکوت بود و امروز همکلامی با یادگاران این شهدا حال و هوایی دارد که در وصف نمی‌گنجد. خانواده صحرایی یکی از همین خانواده شهدا هستند که سـه فرزند عزیزشان علی‌محمد، یارمحمد و جعفر را به قربانگاه حضرت دوسـت فرستادند. شهدایی که دهلران برای همیشه به داشتن‌شان افتخار می‌کند.

شهید جعفر صحرایی در سالهای پس از دفاع مقدس

همکلامی‌مـان بـا محمد صحرایـی برادر این شـهیدان حـس و حال غریبی همـراه با بغض و فراق سـه برادر داشـت. این غم نـه به خاطر شهید علی‌محمد بود که همچنان مفقودالجسد مانده و پدر و مادر در حسرت یافتنش به او پیوستند. نه به خاطر یارمحمد که با سن کم خود شاگرد اول مکتب شهادت شد و نه به خاطر شهادت برادرش جعفر که به فرموده امام خامنه‌ای معبر شهادت را یافت و راهی شد. اشک‌های محمد صحرایی در حین گفت‌وگوی‌مان به خاطر این بود که سـعادت نداشـت تا در مصاف با دشـمن و در کنار برادرانش او نیز به شـهادت برسد. بغض او برای سعادتی بود که نصیبش نشد. آنچه در پی می‌آید حاصل همکلامـی با محمد برادر شـهیدان صحرایی اسـت که تقدیم حضور تان می‌شود.

شده بود، در حالی که تنها ۱۷ سال داشت، با اصرار اجازه پدر و مادر برای ورود به عرصه نبرد را گرفت و به جبهه اعزام شـد. یارمحمد در قالب بسیج و در رسته بی‌سیمچی به فعالیت پرداخت. او در حالی که تنها ۱۸ سال داشـت در تاریخ چهارمین روز از مردادماه ۱۳۶۵ و در عملیات کربلای یک به خیل عظیم شهدا پیوست. اگر چه یارمحمد سن کمی داشت اما پیشتاز و شاگرد اول مدرسه شهادت‌طلبی خانواده صحرایی شد. شهادت یارمحمد با آن سن کم مانع اعزام دیگر برادرانم به جبهه نشد و پدر و مادرم بعد از آن هم با صلابتی خاص بچه‌های‌شان را به جبهه اعزام کردند.
مهم‌ترین نکته‌ای که در وصیتنامه شهید یارمحمد صحرایی به چشم می‌خورد، حفظ حریم و قداسـت ولی فقیه و رعایت حجاب اسلامی توسط خواهران است.

وصیتنامه شهید یارمحمد صحرایی

به نام خداوند بخشنده مهربان

پدر و مادر عزیزم سلام؛ از اینکه اجازه دادید که به جبهه اعزام شوم از شما تشکر می‌کنم. امیدوارم که از این فرزند کوچکتان راضی باشید؛ من با رضایت کامل و از شور و شوقی که داشتم به جبهه آمدم؛ اینجا (جبهه) در حقیقت تداعی‌گر عاشورای امام حسین(ع) است. ما باید به جبهه می‌آمدیم تا شـرمنده امام و ولی فقیه نباشیم، ما به جبهه آمده‌ایم که شرمنده خون هم‌سـنگرانمان نباشیم؛ من به حقیقت دریافته‌ام که چه کشته شوم و چه بکشـم در هر دو حالت پیروزی از آن مکتب اصیل ماست. وصیت من به دوستانم این است که امام را تنها نگذارند و گوش به فرمان او باشـند؛ چراکه او ادامه‌دهنده راه امامان معصوم است.
از پدر و مادرم هم می‌خواهم که همانطور حامی من برای جبهه بودند در صورت شهادتم نیز صبور باشـند و هیچگاه بی‌تابی نکنند. از همه خواهرانم و زنان کشورم نیز می‌خواهم که با حفظ حجاب و عفت خود، ادامه‌دهنده راه و هدف شهیدان باشند؛ زیرا هدف دشمن تنها خاک ما نیست بلکه آرمان‌های انقلاب ماست که حجاب یکی از اصول بزرگ ماسـت. از برادرانم نیز می‌خواهم که در صورت شـهادت من، ناامید نشوند و جبهه‌ها را خالی نکنند و به خط مقدم اعزام شوند.

بود. همکاران و همرزمان شـهید جعفر صحرایی هیچگاه خسـتگی و بی‌انگیزگی را حتی تا آخرین روز کاری‌اش مشاهده نکردند. امانتداری، ایثار و رعایت ادب و احترام در رفتار و گفتار و مواضع روشن و انقلابی در دفاع از ولایت فقیه، به خصوص در جریان فتنه ۸۸ دیگر ویژگی‌های بارز او بودند. روحیه ایثارگرانه وی به حدی بود که وقتی برادر کوچک‌ترش یارمحمد (اولین شـهید خانواده) در عملیات کربـلای یک در تاریخ ۴ مردادماه ۱۳۶۵ به شهادت رسید، در مقابل بی‌تابی‌های مادر خطاب به او گفت: مادر! اینقدر بی‌تابی نکن، چون که حداقل باید سه تا از فرزندانت شهید شوند در حالی که هنوز یکی شهید شده و تو باید صبور باشی، دو ماه بعد وقتی که دیگر فرزند خانواده یعنی علی‌محمد در تاریخ ۸ مهرماه ۱۳۶۵ به شهادت رسید، پیش‌بینی جعفر تا حد زیادی برای همه درست از آب درآمد اما کسی در آن زمان نمی‌دانست شهید سوم خانواده کیست.
بیست و پنجمین روز از شـهریور ماه ۱۳۹۲ گذشت و تنها چند روز مانده به بازنشستگی جعفر، پیش‌بینی او بعد از ۲۷ سال محقق شد و خودش در حین مأموریت همراه دوست و همکارش سرگرد پاسدار امین باویر به درجه رفیع شهادت رسید و اینگونه شهید جعفر صحرایی سومین شهید خانواده صحرایی لقب گرفت.
فرمانده سـپاه ناحیه دهلران سـرهنگ پاسدار اردشـیر اکبری در خصوص شهید جعفر صحرایی گفته است:
شهادت او هم جای تسلیت دارد و هم تبریک، تسلیت از این جهت که فقدان شخصی مثل جعفر صحرایی که در همه مسئولیت‌ها سرآمد و امانتدار و قابل اعتماد بود، جای بسی تأسـف دارد اما از زاویه دیگر افرادی مثل جعفر صحرایی که روحیه و انگیزه انقلابی خود را تا آخرین روزهای کاری حفظ کردند حیف است که در بستر خواب یا بیماری فوت نمایند لذا شهات حق این چنین عزیزانی است. شهید جعفر یک ماه قبل از شهادت به دفتر کار من «سـپاه ناحیه دهلران» آمد و در حالی که کارهای بازنشستگی رسـمی‌اش را انجام می‌داد خطاب به بنده گفت: من روزی که از سپاه بروم، در حضور همه در و دیوار و زمین سپاه ناحیه دهلران را می‌بوسم و اعلام می‌کنم که نه تنها هیچ طلبی از سپاه ندارم بلکه همه زندگی خود و به هر آنچه رسیدم را مدیون سپاه و بسیج و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستم.

ارتش به خدمت مقدس سربازی رفت و بعد از اتمام دوران سربازی با اینکه ازدواج کرد، زندگی متأهلی هم نتوانست مانع پیوستن وی به یاران مجاهد شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم نشود.
علی‌محمد بعد از مدتی به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در عملیات‌های مهمی چون آزادسازی سوسنگرد، والفجر۳ و کربلای یک شرکت داشت. مهم‌ترین مسئولیت شهید علی‌محمد صحرایی فرمانده گروهان عاشـورا بود. علی‌محمد حتی بعد از شهادت برادر کوچک‌ترش کمترین تزلزلی در اراده و همتش به وجود نیاورد. بعد از تشـییع و وداع با یارمحمد دوباره به جبهه‌ها برگشت و دو ماه بعد یعنی در تاریخ ۸ مهرماه ۱۳۶۵ او هم به خیل شهدا پیوست. علی‌محمد در یک تک نفوذی به خاک عراق در منطقه عملیاتی چنگوله به شهادت رسید. باوجود تلاش‌های فراوان سپاه ناحیه دهلران و گروه‌های تفحص، گویی او سعادت و جاودانگی را در گمنامی یافت و تا حال مفقودالجسد است. پدر و مادرمان هم بعد قریب به ۲۵ سال چشم‌انتظاری برای بازگشت پیکر پاک فرزندشان، در فاصله سال‌های ۸۷ تا ۹۱ به دیدار او در سرای باقی شتافتند. وصیتنامه شهید علی‌محمد صحرایی لبریز از نکات ارزشی است، او انقلاب اسلامی را امتداد نهضت عاشورا می‌دانست و بر پیروی محض از اوامر داهیانه ولایت فقیه تأکید داشت.

فرازی از وصیتنامه شهید

من با تمام وجود آرزوی شهادت دارم چراکه شهادت راه سرخ انبیاست؛ من به جبهه آمدم تا که امام عزیز چون جدش امام حسین(ع) تنها نماند چراکه ولی فقیه ادامه‌دهنده راه امام علی(ع) و دیگر ائمه معصوم است و خداوند را نیز شکر می‌کنم که ما را در عصری قرار داد تا که در رکاب امام عزیز و روحانیت محترم مدافع اسلام باشیم، اسلامی که حقیقتاً مظلومانه در مقابل همه جبهه باطل ایستاده است. وصیت من به همه دوستان و خانواده‌ام این است که راه ما را ادامه دهند و به ویژه از مادرم می‌خواهم که حالا سـه تا از فرزندانش در جبهه هستند برایمان دعا کند و در صورت شهادت ما هیچگاه ناراحتی به خود راه ندهد و اجر خود را در حضور حضرت فاطمه(س) کمرنگ نکند؛ توصیه‌ای هم به همه خواهرانم در سراسر ایران دارم حفظ حجابتان است که با رعایت آن به خون شهدا و آرمان‌های انقلاب وفادار بمانید.

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۱۳۵

نگاه

یادکردی از تخریب و تخریبچی در دفاع مقدس

تخریبچی‌ها حتی در آموزش نیز پرواز را تمرین می‌کردند

علیرضا محمدی

«از میان مؤمنان مردانی هستند که به آن چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در انتظارند و هرگز تغییری در عهد و پیمان خود نداده‌اند». آیه ۲۳ سوره احزاب را باید در وصف رزمندگان اسلام گفت. آنها که عمری در مسیر نیل به حیات ابدی جبهه‌های جنگ را پیمودند و پس از اتمام دفاع مقدس نیز هرگز مسیر جهاد را ترک نکردند. اما در میان همین خیل مجاهدان نیز نیروهایی به نام واحد تخریب وجود داشتند که در آسمان درخشندگی سـتارگان خمینی کبیر، تلألوی وجودی‌شـان زبانزد بچه‌های جنگ بود. متن زیر یادکردی از واحد تخریب و بچه‌های باصفای تخریبچی است که تقدیم حضورتان می‌شود.

جنگ با موانع

ایجاد واحـد تخریب در طول دفـاع مقدس از واقعیت میادین جنگ حکایت داشت. هرچند ارتش متجـاوز بعث از همـان روز اول جنگ از کاربرد انواع مین‌ها سـود می‌برد اما پس از فتح خرمشهر و بیرون راندن دشمن از بخش اعظم خاک کشورمان، ارتش صدام به لاک دفاعی فرو رفت و آرایش تهاجمی را از دست داد. پیش از فتح خرمشهر، متجاوزان که همواره امید پیشروی داشتند، از ایجاد میادین مین و موانع گسترده خودداری می‌کردند اما حالا که مجبور به دفاع بودند، بحـث ایجاد میادین مین و مهندسـی گسترده دفاعی را با جدیت تمام دنبال کردند. تقریباً والفجر مقدماتی را می‌توان اولین عملیاتی الی‌بیت‌المقدس، حدود ۳۰ هزار نفر از نیروهای بعثی به اسـارت درآمدند اما اتخاذ اسـتراتژی نظامی جدید عراق باعث شـد تا پـس از عدم الفتح عملیات رمضان، در عملیات نسبتاً بزرگ والفجـر مقدماتی نیز آهنگ کند پیشـروی‌ها ادامه یابد. به هرحال مین، سـیم خاردار، موانع خورشیدی و انواع و اقسام تسلیحات تأخیری دشمن، واقعیاتی بودند که برای مقابله مؤثر با آنها، آموزش و گسترش هرچه بیشتر واحد تخریب امری بدیهی بود. به این ترتیب تخریبچی‌ها عضو لاینفک تمامی واحدهای نظامی شدند تا به آنجا که اغلب لشکرها از یک گردان تمام‌عیار تخریب بهره می‌بردند.

تخریب یعنی ساختن

با گسـترش واحد تخریب، نـام تخریبچی در میان سـایر تخصص‌های دفـاع مقدس جلوه ویژه‌ای یافت. این امر نـه تنها به خاطر اهمیت کار تخریبچی‌هـا کـه از روحیه ایـن افراد نیز نشـأت می‌گرفت. حاج‌مجید مطیعیان یکی از فرماندهان واحد تخریب تیپ سیدالشهدا(ع) در این خصوص می‌گویـد: «هر لحظه احتمال شـهادت بچه‌های تخریب باعث می‌شد تا این نیروهـا از پاک‌ترین و خالص‌تریـن رزمنده‌ها باشـند. حتی در شـوخی‌ها و نوع تفریح‌شان نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شـد. هر نوع شوخی را انجـام نمی‌دادند و به شـدت مراقب الفاظی بودند که در مزاح‌ها بـه کار می‌بردند.» یکی از مشهورترین یادمان‌های واحد تخریب که در واقع نشـانی بر اخلاص و روحیات بارز تخریبچی‌ها

یکی از مشهورترین یادمان‌های واحد تخریب که در واقع نشانی بـر اخـلاص و روحیـات بـارز تخریبچی‌هانیز هست، حسینیه گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در پادگان دوکوهه اسـت. این حسـینیه بـه دلیل آموزش خنثی‌سازی انواع مین‌ها و البته انفجارهای حاصله از آن در بیرون پادگان ساخته شده بود

دانست که طی آن عمده توان رزمندگان مصروف عبور از موانع متعدد دشـمن شد. به نحوی که برخی از رزمنـدگان از این عملیات با نام جنگ با موانع یاد می‌کنند. به همیـن لحاظ، عبور از این موانع دغدغه اصلی فرماندهانی شد که طی ماه‌های گذشته نیروهای‌شان به موفقیت‌های برق‌آسایی دست یافته بودند و حالا در مواجهه با میادین مین، از کندی روند پیروزی‌های گذشته رنج می‌بردند. پیش از فـرو رفتن ارتش بعث به لاک دفاعی، تنهـا در دو عملیات فتح‌المبین و نیز هست، حسـینیه گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در پادگان دوکوهه است. این حسینیه به دلیل آموزش خنثی‌سازی انواع مین‌ها و البته انفجارهای حاصله از آن در بیرون پادگان ساخته شده بود چراکه در برخی از مواقع، موج انفجار مین‌های آموزشـی باعث شکستن شیشه‌های ساختمان دوکوهه می‌شد.
بـا انتقال مقـر گـردان تخریب لشـکر ۲۷، یادگاری‌هـای ارزشـمندی نیـز از بچه‌های تخریب برجـای مانده که اکنون در شـکل و شمایل گورهای پراکنده، حول محور این مقر به چشـم می‌خورد و محل بازدید بسیاری از کاروان‌های راهیان نور است.
گورهایـی که رزمنـدگان تخریبچـی برای خود حفـر می‌کردند تا راز و نیاز شبانه‌شـان را درون آنها به انجام رسـانند. شاید همین رفتار آنهاسـت که باعـث می‌شـود یکی از راویان دفـاع مقدس تعریفی ایـن چنینی از بچه‌هـای واحد تخریب داشـته باشـد: واژه تخریب یعنی خراب کـردن. اما کار بچه‌های تخریب سـاختن بود. آنها اول خودشـان را می‌سـاختند و بعد وارد میدان می‌شدند. این بچه‌ها حتی در آموزش‌های‌شـان نیز پرواز را تمرین می‌کردند.

جدول

از راست به چپ

■ ۱- زلزله‌سنج- روشندل ■ ۲- جوجه‌تیغی- از آهنگ‌های موسـیقی ایرانی- کنایه از جای شلوغ و بی نظم و ترتیب ■ ۳- آماس- تکیه بر پشتی- الگو- انگور خشک‌شده ■ ۴- محکم‌کردن- گمشده یعقوب- اسباب خانه- دشنام ■ ۵- ماه کامل- تخم‌مرغ فرنگی- بازیابی تنظیمات اولیه یک دستگاه ■ ۶- نوعی برنج- زمزمه‌کردن- از برپاکردنی‌ها- اتاقک زیر کشـتی ■ ۷- متضاد زوج- حرف فاصله- فیلم داریـوش مهرجویی- لطمه و صدمه ■ ۸- ضربه‌سر در فوتبال- لانه کرم ابریشم- دروازه دم و بازدم- همراه خورد می‌آید ■ ۹- مشک خالص- دریل- عدد رمزی- حشـره خونخوار ■ ۱۰- دختر کارتونی- تصدیق فرنگی- اتاق درس- سـیم ضخیم ■ ۱۱- آب طلا که در نقاشـی و تذهیب کاری کاربرد دارد- کنار و پهلو- دسـتگاه میکروب‌کش و ضد عفونی‌کننده پزشکی ■ ۱۲- گشوده- پسوند رنگ‌ها- کلام نیش‌دار و گزنده- بخار دهان ■ ۱۳- سایر و غیر- زمین نمناک و لغزنده- ویتامین جدولی- بهشت ■ ۱۴- رنجاندن- سخن بی معنی- چاقی ■ ۱۵- کودکی که به سن بلوغ و رشد نرسیده باشد- داستان‌نویس معروف ایران و خالق اثر فارسی شکر است

از بالا به پایین

■ ۱- شاعر سبک خراسانی، اهل اصفهان، ملقب به شمس‌الشعرا و نویسـنده ساقی‌نامه- درجه‌ای در رشته‌های رزمی ■ ۲- واحدی در طول انگلیسـی- گفت‌وگوی شـکوه‌آمیز- روادید ■ ۳- از اعداد ترکیبی- مسـافتی که تیر طی می‌کند- پایتخت کشـور برانکو ایوانکوویچ ■ ۴- تلخ- دسـتی- از مواد لبنی- جامه بلند ■ ۵- ارزش و قیمت- خط کش مهندسی- سازمان آزادیبخش فلسطین- برج کج ■ ۶- از تیم‌های لیگ برتر فوتبال- دردمندی- وسیله پرواز پرنده ■ ۷- واحدی برای انسان- فانوس دریایی- بی‌احترامی- از ابزار ورزش باستانی ■ ۸- ایتالیای باستان- رود مقدس هندوان- از میوه‌های آبدار- از نمک‌هایی که به طور آزاد در طبیعت به دست می‌آید ■ ۹- پدر بزرگ انسان‌ها- محل بازگشت- بهشت شداد- دهان ■ ۱۰- شهری در فارس و رودی در تهران- پماد ضد سردرد- حمله نظامی ■ ۱۱- مایه حیات- سلاح زنبور- چوب خوشبو- نوعی ساندویچ ■ ۱۲- قایقی است- خانه با عرصه مشجر- بخیه درشت- گل سرخ ■ ۱۳- خشکی- پرنده سـیاه خوش آواز- محصول نایین ■ ۱۴- متضاد فراز- موج‌آب- مرغ سلیمان ■ ۱۵- شهری در استان فارس- جاذبه سیاحتی مهم نزدیک زنجان

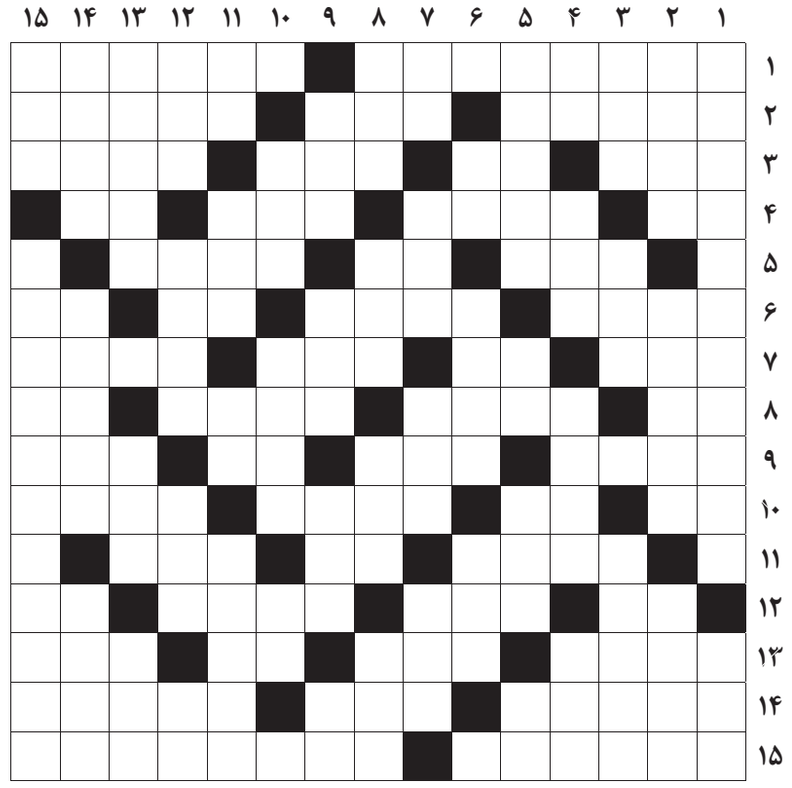

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۸				۵
۶				۷				۹
۳				۶			۲	۴
	۶	۴	۱				۵	
			۹			۷	۶	
		۱	۸				۹	
			۴		۳			
						۱		۷
	۸	۵						

۶	۴	۸	۱	۱	۸	۵	۷	۹
۸	۹	۱	۷	۵	۶	۴	۳	۲
۲	۷	۵	۳	۶	۹	۸	۱	۴
۳	۶	۹	۴	۸	۲	۱	۵	۷
۱	۸	۴	۵	۹	۱	۲	۷	۳
۷	۵	۲	۸	۴	۳	۹	۶	۱
۴	۲	۶	۹	۳	۷	۷	۸	۵
۵	۳	۷	۶	۲	۵	۶	۹	۸
۹	۱	۳	۲	۷	۴	۱	۴	۶

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۴۱۳۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ع	ی	ل	ا	م	■	ف	ر	ع	و	ن	■	چ	س	ب
۲	ک	ا	ش	ف	ا	ل	س	ل	ط	ن	■	■	ک	ن	ه
۳	س	س	■	ع	ر	و	ق	■	ا	گ	ر	ا	■	ت	ی
۴	■	■	ا	ی	و	ا	■	ش	ر	ر	■	■	ه	ا	ن
۵	س	چ	ل	■	ت	م	ه	ی	د	■	م	د	ر	س	ه
۶	ی	و	ف	ا	■	ه	ن	د	■	م	ا	ه	ی	ت	■
۷	م	ز	ا	ی	ا	■	چ	ا	س	و	س	■	س	ب	س
۸	ا	ز	■	ا	س	ر	ا	■	ا	ز	ر	ق	■	ا	م
۹	ب	ه	ا	■	ک	و	ر	ی	ل	■	و	ا	ر	ن	ا
۱۰	■	م	ی	ر	ا	ز	■	ا	ا	ک	■	ر	ی	و	ن
۱۱	د	ه	د	ه	ی	■	ت	ب	ر	ی	ک	■	ا	س	ه
۱۲	م	ا	ه	ر	■	د	ی	س	■	م	ل	ا	ل	■	■
۱۳	ا	ت	■	و	ن	ی	ز	■	س	ی	ا	ل	■	ا	ب
۱۴	غ	ز	ل	■	ح	م	ا	س	ه	ا	ف	ر	ی	ن	ی
۱۵	ه	ا	ر	■	س	ی	ب	ر	ی	■	ه	د	ا	ی	ت